

توصیه‌ای دوستانه به دکتر ظریف

## زینت المجالس نشوید...



محمدجواد روح

سردبیر

کمتر ناظر منصف و میهن دوستی است که قدر و ارزش محمدجواد ظریف را شناسد و اهمیت او و نقش تاریخی اش در دوران مذاکرات برجام (و حتی پایان جنگ) را نداند. تعارض و ستیز راست‌های رادیکال (چه در سطح داخلی و چه در عرصه بین‌المللی) با ظریف و میراث او، نیز ناشی از همین قدر و قیمت اوست که قدر زر را زرگر شناسد و قدر گوهر را گوهری. شخصاً نیز در همه این سال‌ها، کوشیده‌ام به سهم و وسع خویش، این قدرشناسی را ابراز کنم. چنان‌که در سال آخر دولت اول روحانی، در تحلیلی نوشتم که اگر خروجی این چهار سال جز برجام و تلگرام نبود (یکی به‌مثابه الگو و ابزار تنش‌زدایی و گفت‌وگومحوری در عرصه بین‌المللی و آن دیگر، به‌مثابه زیرساخت شکل دادن گفت‌وگوی داخلی و شبکه‌های ارتباطی و اجتماعی)، انصاف‌ومسئولیت‌شناسی حکم می‌کند که به حمایت از روحانی پرداخت و بستر تدویم فعالیت دولتمردان او فراهم ساخت. طبیعی و بدیهی بود که نقش اول تحقق برجام‌نیز، کسی جز محمدجواد ظریف نبود.

گرچه روند تحولات داخلی و خارجی به سمتی رفت که در چهار سال دوم، نه روحانی و نه ظریف (و نه کلیت دولت و حامیان و حاملان ایده آن) نتوانستند چنان که بایدوشاید گامی به پیش بردارند؛ اما ادعای بی‌پایه‌ای نیست اگر بگوییم در برابر تندخوی بی‌آداب و ترتیبی چون دونالد ترامپ که هیچ ملاحظه‌حقوقی و اخلاقی را در روابط بین‌الملل روا نمی‌داشت و هر پیمان و تعهدی را زیر پا می‌گذاشت، این برجام بود که همچون آخرین سنگر، امکان پایداری مشروع و متعارف را برای دولت و ملت ایران فراهم ساخت و با وجود همه بحران‌های اقتصادی، امنیت و اعتبار و حیثیت ملی را در سطح بین‌المللی نگاه داشت. البته، کنار رفتن ترامپ در سال ۱۳۹۹ و همزمانی آن با آخرین سال دوران دولت میهن‌روی روحانی، فرصتی تاریخی و استثنائی برای ایران بود تا آب رفته را به جوی بازآورد و توافق در هم‌شکسته را احیا کند. فرصتی که البته با مقاومت و ممانعت و دست‌اندازی و جنگ‌اندازی راست رادیکال داخلی (که با تشکیل مجلس یازدهم، وجهه قانونی هم یافته بودند)، سوخت تا بدین ترتیب، ترامپیست‌های ایرانی، راه ناتمام ترامپ آمریکایی را طی کنند و یار مطلوب او را به منزل رسانند.

ناکامی روحانی و ظریف در احیای برجام، البته از قدر و قیمت آنان در نزد ناظر منصف نمی‌کاهد؛ چراکه شرط انصاف، لحاظ کردن همه عوامل و نیروهای مؤثر در یک روند یا رخداد سیاسی است و طبعاً، دولت‌دست‌بسته و برپای‌بام و کم‌پشتوانه روحانی نمی‌توانست در زمستان ۱۳۹۹ و بهار ۱۴۰۰، خزان برجام را پایان دهد.

بااین‌حال، وزن و اعتبار ظریف همچنان تاحد قابل توجهی برجا بود. چنان‌که در موسم انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰، مدام پذیرای شخصیت‌های اصلاح‌طلب و میهن‌رویی بود که به دیدار ش می‌رفتند و او ادعوت به نامزدی می‌کردند. فراخوان‌هایی که

گرچه او هر بار به آنها پاسخ منفی می‌داد و مصدق‌وار بر سوگند خود پای می‌فشرد؛ اما هنوز از چنان پایگاه و اعتبار اجتماعی برخوردار بود که جریان حاکم را از ریسک و قمار بر سر او باز می‌داشت. چنین بود که مصاحبه صریح‌اش را بپایانه کردند تا به زعم خود، یک‌بار برای همیشه او را از اندیشیدن به نقش آفرینی در سیاست داخلی بازدارند.

با گذشت دو سال از آن روزها، پیش‌بینی ظریف درباره ناتوانی جریان حاکم در احیای برجام بیش از یک سال است تحقق یافته و فراتر از آن، سیاست خارجی ایران در دو جنگ شبه‌جهانی اوکراین و غزه، تا لبه تهدید و معرض اتهام پیش رفته است. چنین شرایطی، طبعاً فرصت و زمینه مناسبی است که ظریف به‌عنوان مهمترین نماینده، سخنگو و حتی نظریه‌پرداز تنش‌زدایی ایرانی به میدان آید، سیاست‌های تندروها را به نقد کشد و دستاوردهای خود را در برابر انبان بی‌محتوای ادعاها و فضاسازی‌های دل‌وایسان، به نمایش گذارد. این، فرصت مناسبی است که ظریف در چند ماه اخیر کوشیده از آن سود جوید و از تریبون‌ها و پلتفرم‌های گوناگون در جهت آن، سخن گوید.

بااین‌حال، سود جستن ظریف از این فرصت، ظرافت‌ها و دقت‌هایی سیاسی و رسانه‌ای را می‌طلبد. در وجه سیاسی، ظریف باید بکوشد جایگاه خود را به‌عنوان چهره‌ای ملی و معتمد دوسوبه («جامعه و نخبگان مدنی» و «حکومت و نخبگان سیاسی») را حفظ کند و این موقعیت لغزان و خطیر را به جهت اشتباه‌های محاسباتی از کف ندهد؛ چراکه ظریف چه بخواهد و چه نخواهد، چه بپسندد و چه نپسندد، یکی از معدود ظرفیت‌های جدی کشور در سطح داخلی و بین‌المللی است که حفظ آن، بیش از هر چیز برعهده خود اوست. اما نکته مهم‌تر، وجه رسانه‌ای سود جستن ظریف از فرصت کنونی است. ظریف گرچه شخصیتی دارای قدر و قیمت و ارج و قربت است؛ اما همچون سرمایه‌ای است که سخاوتمند بیش از اندازه در هزینه کردن آن، از قدر و اندازه آن خواهد کاست. متأسفانه، به نظر می‌رسد ظریف به ظرافت‌های این دو وجه (به‌ویژه وجه رسانه‌ای)، توجه لازم را ندارد. حضور بیایی در کنگره‌ها و مجامع احزاب، تشکل‌ها، نهادهای فرهنگی، رسانه‌ها و... شاید برای شخصیت‌ها و تحلیلگران سیاسی امری عادی و مثبت هم باشد و هر چه بیشتر در صحنه حضور یابند، امکان کنشگری بیشتری یابند. اما برای شخصیتی که جایگاهی بالاتر از یک بازیگر یا تحلیلگر سیاسی دارد، ملاحظات بیشتری لازم است. مخصوصاً در مورد شخصیتی که جایگاهی ملی و بین‌المللی دارد و هر گفته یا رفتن او، با تحلیل‌ها و برآوردهایی گسترده مواجه می‌شود. (نمونه آن، مصاحبه بحث‌برانگیز ظریف با یک روزنامه‌تندرو که نیویورک‌تایمز آن را در سطح «مشاوره رهبری نظام برای تغییرات در سیاست خارجی» تحلیل و تفسیر کرد). حتی اگر چنین تقاسیری هم در میان نباشد؛ سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های مکرر ظریف که اغلب هم با مضامین و روایت‌هایی تکراری همراه است، از ارزش و وزن سخن او می‌کاهد و ناخوسته‌باعث می‌شود سخنان جدی و مؤثر او در مقاطع دیگر هم، کمتر شنیده شود. در همین دورز گذشته، ظریف در کنگره یک حزب و یک نشست دانشجویی سخنرانی کرده است که محتوای آن، نکته خاصی بیش از مواردی که در سخنرانی‌های قبل گفته بود، به همراه ندارد و به نظر هم نمی‌رسد باز خورد و توجه به آن، با گفتارهای مثلاً دو ماه پیش او، قابل قیاس باشد. چنین است که در مقام یک ناظر علاقه‌مند به دکتر ظریف، دوستانه می‌توان او را خطاب قرار داد و از او خواست که در رویکرد سیاسی-رسانه‌ای خود تجدیدنظر کند و نگذارد جایگاه‌اش از سیاستمداری ملی‌و بین‌المللی به زینت‌المجالس و خطیب محافل فروکاهد...



## تیتریک

HEADLINE ONE

۲

گزارش یک

# آتش‌بس همچنان در ابهام

## حماس و اسرائیل هر کدام شروط خاص خود را اعلام کرده‌اند



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

مذاکرات غیرمستقیم حماس و اسرائیل در حال انجام است و قطعنامه پیشنهادی الجزایر به شورای امنیت، برای توقف جنگ در غزه در دست بررسی است. مفاد این قطعنامه کم و بیش در رسانه‌ها منتشر شده است و با توجه به میانجی‌گری‌ها به خصوص مذاکرات در قاهره شاید بتوان به فرجام آن امید داشت. با این حال طرین (حماس و اسرائیل) هرکدام شروط خاص خود را دارند که ممکن است مانع از به سرانجام رسیدن آن شود و حتی این احتمال وجود دارد که آمریکا قطعنامه آتش‌بس بشردوستانه در غزه را همانند قبل وتو کند.

این در حالی است که بنیامین نتانیاو، نخست‌وزیر اسرائیل شب گذشته در موضع‌گیری تندی علیه طرف فلسطینی مدعی شد: «خواسته‌های حماس به معنای شکست اسرائیل است و ما با آنها موافقت نخواهیم کرد. همه می‌گویند باید تا پیروزی و تا حذف حماس ادامه دهیم. اسرائیل تا رسیدن به یک پیروزی قاطع مبارزه خواهد کرد و این چیزی است که ما به همه رهبران جهان که با آنها در ارتباط هستیم، می‌گوییم.»

با این حال در کنار تلاش سازمان ملل برای رسیدن به آتش‌بس، شاهد دیدارهای متعدد طرفین و سفرهای متعدد در این موضوع هستیم. آنگونه که اعلام شده اسرائیل با یک آتش‌بس ۴۲ روزه (۶ هفته‌ای) موافق است تا در خلال آن آسرا آزاد شوند اما هرگز خود را متعهد به اعلام پایان جنگ نمی‌کند و حاضر به عقب‌نشینی نیست. تل‌آویو همچنین اعلام کرده است، آمادگی دارد تا در گام اول ۳۰۰۰ اسیر فلسطینی را آزاد و مناطق پر جمعیت هم خارج شود، همچنین اجازه ورود روزانه ۵۰۰ کامیون کمک را به داخل نوار غزه و خارج کردن مجروحین از این منطقه را بدهد. در واکنش حماس در بیانیه‌ای صراحتاً اعلام کرده است که شروطش توقف کامل تجاوزات، خروج ارتش اشغالگر از نوار غزه، رفع محاصره ناعادلانه و فراهم کردن سرپناه مناسب و امن برای آوارگان است. این در حالی است که عصر روز گذشته، یکی از رهبران جنبش حماس، اعلام کرد: «حماس قصد دارد مذاکرات درباره برقراری آتش‌بس در غزه و تبادل اسرا میان این جنبش و رژیم صهیونیستی را تا زمانی که کمک‌ها به شمال نوار غزه وارد شود، متوقف کند. با وجود گرسنگی ملت فلسطینی، مذاکرات ممکن نیست.»

### ▼ خواسته‌های حماس

اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس درباره این توافق تأکید کرد که تبادل گروهان‌های اسرائیلی و زندانیان فلسطینی تنها یکی از اهداف مذاکرات صلح است. به گفته او، مقاومت فلسطین هرگز به چیزی کمتر از توقف کامل تجاوز نظامی اسرائیل، عقب‌نشینی از نوار غزه، پایان محاصره این منطقه و تأمین سرپناه برای آوارگان رضایت نخواهد داد. اسماعیل هنیه روز گذشته گفت: «حماس تعامل مثبت و مسئولانه‌ای با مذاکرات جاری داشته و البته هرگز درباره فداکاری‌های ملت فلسطین و دستاوردهای مقاومت عقب‌نشینی نخواهد

کرد. تحقق قرارداد مبادله آسرا از طریق آزادی اسیران ما به‌ویژه اسیران قدیمی از اهداف مذاکرات است و عبور از آن ممکن نیست. جنبش حماس همواره با روحیه‌ای مثبت و مسئولیت‌پذیر، با میانجی‌ها به منظور توقف جنگ و جنایت علیه ملت فلسطین، پایان محاصره ظالمانه، ورود کمک‌های بشردوستانه به نوار غزه، اسکان آوارگان و بازسازی این باریکه تعامل داشته است.» اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی این جنبش، شرایط مد نظر مقاومت فلسطین برای پایان دادن به جنگ را در شرایطی به‌طور عمومی مطرح کرده که تلاش‌های سیاسی برای پایان دادن به جنگ خونین غزه همچنان ادامه دارد. تعداد قربانیان این جنگ از ۲۸ هزار نفر عبور کرده و زمزمه‌های حمله اسرائیل به جنوب نوار غزه و به‌خصوص شهر رفح و همچنین تصمیم این رژیم برای کوچاندن اجباری مردم فلسطین نیز شنیده می‌شود. حمله به رفح از آنجایی اهمیت بسیار زیادی دارد که گذرگاه مرزی میان نوار غزه و مصر در این منطقه واقع شده است و شبکه تونل‌های آن، برای تأمین بسیاری از اقلام مورد استفاده در غزه مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. دور از میدان جنگ و در سطح سیاسی، تلاش‌های زیادی در جریان است که عملیات اسرائیل را متوقف کند.

### ▼ واقعیت‌های جنگ

هنیه در حالی از دستاوردهای مقاومت فلسطین در این جنگ سخن می‌گوید که غیرنظامیان، بخش عظیمی از جانباختگان این درگیری را تشکیل داده‌اند و زیرساخت‌های غزه (مدارس، بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها، ساختمان‌های مسکونی) نیز آسیب‌های بسیار جدی دیده است و حجم بالایی از آن‌ها قابل استفاده نیستند. طبق آمار منتشرشده از سوی مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین، حدود ۱۳ هزار نفر از کشته‌شدگان این جنگ، کودکان هستند. شاید بتوانیم حمایت‌های جهانی از مظلومیت مردم فلسطین در برابر خشونت افسارگسیخته اسرائیل و تغییر نظر رهبران سیاسی به‌خصوص در کشورهای اروپایی را بخشی از نتایج این جنگ بدانیم. تلفات سنگین غیرنظامی و دستاوردها در این درگیری با یکدیگر درآمیخته‌اند. رژیم صهیونیستی نیز برنده این جنگ نیست. خونین در غزه، ضربات زیادی به اقتصاد اسرائیل وارد کرده و هزینه روزانه این جنگ مبلغی بیش از ۲۸۰ میلیون دلار در روز تخمین زده می‌شود. تلفات انسانی صهیونیست‌ها در این جنگ اگرچه با جانباختگان مردم غزه قابل مقایسه نیست، اما از لحاظ نظامی برای اسرائیل هزینه زیادی داشته است. حدود ۵۰۰ سرباز ارتش اسرائیل در این جنگ کشته شده‌اند. به‌دنبال بالا گرفتن درگیری میان حماس و اسرائیل، درگیری‌های دیگری نیز در منطقه به وجود آمده است. نیروهای مسلح یمن فلسطینی‌های آمریکایی، انگلیسی و اسرائیلی با کشتی‌هایی که به سوی سرزمین‌های اشغالی در حرکت هستند را مورد هدف قرار می‌دهند. حزب‌الله در شمال سرزمین‌های اشغالی با اسرائیل درگیر است و کارشناسان در خصوص احتمال شعله‌ور شدن آتش جنگ گسترده میان لبنان و اسرائیل نیز هشدار می‌دهند. مجموع این شرایط نشان می‌دهد که این جنگ وارد مرحله فرسایشی شده است اما اسرائیل با تمام قدرت نظامی خود و پشتیبانی بی‌وقفه از سوی دولت‌ها، به هدف اعلامی خود یعنی از بین بردن جنبش حماس نزدیک نیز نشده است. ناظران نیز بر این باورند که هدف اعلامی اسرائیل، دور از دسترس و غیرواقعی از زیبایی می‌شود.

ادامه از صفحه اول

که براساس فرمولی خاص محاسبه می‌شود. هر خدمتی با ۵ شاخص محاسبه می‌شود؛ «میزان خطر برای عامل انجام‌دهنده آن چقدر است؟ چقدر زمان می‌برد؟ میزان خطر آن برای بیمار چقدر است؟ چه کسی و با چه تخصص و مدرکی آن را انجام می‌دهد؟ ضرب استهلاک آن چقدر است؟» مبنای پرداخت بیمه‌ها نیز براساس کتاب ارزش‌های نسبی که تعرفه‌ها در آن درج شده، انجام می‌شود. طبق قانون خدمات پرستاری نیز باید همچون خدمات پزشکی به همان روش و فرمول انجام شود در حالی که این کار انجام نشد. در سال ۱۴۰۰ اعلام کردم که تعرفه‌های پرستاری اجرا شده پشتوانه قانونی و کارشناسی ندارد.» دبیرکل خانه پرستاری با اشاره به اینکه مدل پرداخت در دنیا کاملاً مشخص است، افزود: «پرداخت بر پایه حقوق ثابت یا کارانه یا بی.آر.جی انجام می‌شود. تعرفه‌گذاری براساس هیچ‌یک از این پرداخت‌ها نبوده و مبنای قانونی ندارد. ما این موضوع را هشدار دادیم که شمه‌ای از قانون تعرفه‌گذاری در حال اجراست اما کسی گوش نکرد. سوال می‌کنیم که این اقدام شما بر چه مبنایی صورت می‌گیرد؟ اما کسی پاسخگوی سوالات ما نیست.» شرفی مقدم در تشریح اجرای تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری، تأکید کرد: «سال گذشته شش هفت هزار میلیارد و امسال ۱۰ هزار میلیارد تومان به تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری اختصاص دادند. در حقیقت بابت کل خدمات پرستاری ۱۶۰ هزار تومان اعم از خدمت کمک بهیار و پرستار در سه شیفت صبح، عصر و شب، سوپروایزر و سرپرستار پرداخت می‌کنند. در این میان ۱۴ درصد از این پول در اختیار رئیس بیمارستان قرار می‌گیرد تا به آموزش، کارکنان ستادی و... اختصاص یابد. ۱۰ درصد این پول هم به‌عنوان مالیات کسر می‌شود. در حقیقت با کسر ۲۴درصد این پرداختی بین کادر پرستاری توزیع می‌شود. این پرداختی تحقیر جامعه پرستاری است چراکه بیمار برای یک ویزیت پزشک یک مبلغ را می‌پردازد. بنابراین این تعرفه‌ها بر مبنای خدمات پرستاری تعیین نشده است.» او افزود: «اگر تعرفه‌های پرستاری براساس مدل «پرداخت کارانه» حساب شود، حداقل کارانه پرستاران برابر حقوق‌شان می‌شود و گاه تا دوپایه برابر حقوق یک پرستار هم می‌رسد. چراکه پرستاری کاری پر تکرار است. حقوق یک پرستار در حال حاضر ۱۲ میلیون تومان است. اما آنچه که به پرستار می‌دهند از ۲۰۰ هزار

### رویداد نظامی

با حضور وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح صورت گرفت

## رونمایی از سامانه دفاعی آرمان و آدرخش در جزایر تنب بزرگ و ابوموسی



دفاع از فضای کشور فراهم می‌کند. یکی دیگر از دستاوردها برای محافظت از مراکز حساس حیاتی و مهم کشور در برابر تهدیدات پهپادی و ریزپرنده‌ها، سامانه آذر خش است که دارای برد کوتاه است و دارای قابلیت ضد روی انواع خودروها و اجرای عملیات در شب و روز و با بهره‌گیری از سامانه راداری پیشرفته سمپدی و سرج اپتیکی و سیستم‌های پیشرفته بسیار چابک و ماندند سامانه شهید مجید است که می‌تواند اهداف را در کمترین زمان ممکن منهدم کند.» این در حالی است که در ماه‌های گذشته سه کشور بریتانیا، آلمان و فرانسه در بیانیه مشترکی نسبت به فعالیت‌های موشکی ایران ابراز نگرانی کرده‌اند. این سه کشور مدعی هستند که مسیر فعلی، جمهوری اسلامی را به‌توانایی‌های مرتبط با تولید تسلیحات هسته‌ای نزدیک می‌کند. ویلیام برنز، رئیس سازمان اطلاعاتی سیا، نیز در مقاله‌ای با عنوان «توان جاسوسی و توان حکومتی» که در مجله «فان فرز» منتشر شد، مدعی شد: «تهران با بحران غزه جسورتر شده و به نظر می‌رسد آماده است تا با آخرین نیروی نیابتی خود در منطقه بجنگد و هم‌زمان برنامه هسته‌ای خود را گسترش دهد و به‌تأیام روسیه کمک کند. کلید امنیت اسرائیل و نیز منطقه در گرو روبرویی با مشکل ایران است.»